

حقوق سیاسی اقلیت ها در حقوق اساسی ایران

اصغر زاهدی تیر^۱

^۱ دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور، عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

اصغر زاهدی تیر

zahedi.tir@gmail.com

چکیده

حقوق سیاسی اقلیت ها همواره یکی از امور چالش برانگیز در میان ملل مختلف بوده است، اقلیت ها که همواره در موقعیت غیر حاکم قرار داشته اند، خواهان مشارک سیاسی و حقوق برابر بوده اند. واقلیت ها در حقوق اساسی ایران به تبعیت از تعالیم اسلامی به رسمیت شناخته شدند، که شامل پیروان آیین های زرتشت، یهودیت و مسیحیت می شوند. اسلام که دینی جهان شمول و فراگیر است، در قرآن کریم با عنوان «اهل کتاب» اقلیت ها را مورد تکریم و عنایت قرار داده است. در حقوق اساسی ایران دولت به دفاع از حقوق سیاسی، اجتماعی، دینی و امنیت اقلیت ها موظف گردید. در حقوق اساسی ایران، اقلیت ها از حقوق سیاسی، شهروندی برخوردار و دارای حق رای، حق اشتغال و حق داشتن نماینده مستقل در مجلس اند. آنان در چارچوب قوانین در انجام مراسم دینی و تشکیل انجمن ها آزاد و از حقوق و آزادی های سیاسی قانونی، برخوردارند. اما از آنجا که آنان تحت حکومت اسلامی و قوانین و مقررات موضوعه هستند، به جهت انحراف در کتب آنان و نسخ آیین و شریعت گذشته توسط اسلام و دعوت الهی به ایمان و تسلیم در برابر رسالت آخرین پیامبر(ص) به عنوان دین حق، اقلیت ها با محدودیت در تبلیغ و ترویج آیین شان مواجه اند و از طرفی در حقوق اساسی نظام، از آنجا که تصدی مناصب حکومتی جزء حقوق اشخاص به شمار نمی رود، لذا مناصب حکومتی را حق حکومت دانسته و برای اقلیت ها در تصدی مناصب حکومتی محدودیت هایی وجود دارد که این محدودیت ها بیانگر جامعیت نگرش دین اسلام در اثبات حقانیت و جهان شمولی و جاودانگی خود می باشد

واژگان کلیدی: اقلیت ها، اهل کتاب، حقوق سیاسی، قانون اساسی

مقدمه

جوامع بشری متشکل از افراد و گروههایی می باشند که در یک جامعه زندگی می کنند و با ویژگی های متفاوت همچون زبان، مذهب، رنگ، قومیت و نوع رفتار، از یکدیگر متمایز می گردند. اقلیت ها در مقابل اکثریت، از حیث سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، جایگاه پایین دستی دارند. وجود گروه های اقلیت در یک جامعه سیاسی، همواره یکی از مسائل چالش بر انگیز جوامع بین المللی بوده است. اقلیت ها معمولاً در موقعیت غیر حاکم قرار دارند از طرفی خواهان حقوق سیاسی و مشارکت برابر و از طرفی تمایل به حفظ احوالات شخصیه مانند مذهب، زبان و فرهنگ و... خود را دارند.

در نظام حقوقی اسلام، اقلیت ها به عنوان یک حقیقت و واقعیت اجتماعی مورد پذیرش و توجه قرار گرفته اند. اسلام اقلیت های مذهبی را مورد عنایت قرار داده و برای آنان احترام قایل است. به نظر می رسد هیچ حکومتی در دنیا مانند حکومت اسلامی ضامن آزادی و حقوق اقلیت ها نمی باشد.

محور این نوشتار با بهره گیری از منابع حقوق اساسی، به دنبال پاسخ به این سوال، که جایگاه و حقوق سیاسی اقلیت های دینی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ می باشد و درصدد استخراج حقوق خاص پیروان اقلیت های دینی در نظام سیاسی ایران خاصه قانون اساسی است. مراد از اقلیت ها ی دینی، گروه هایی هستند که از آیین های «یهود»، «مسیحیت»، «مجوسیت» پیروی می کنند و در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده اند.

۱- تعریف اقلیت (Minority)

در مورد « اقلیت»، تعریفی که مورد اتفاق صاحب نظران باشد وحدت نظر وجود ندارد، اما تلاش های زیادی از سوی دانشمندان و نهادهای اجتماعی و سیاسی در این زمینه صورت گرفته است، ولی موفقیت چندانی حاصل نگردیده است. «اقلیت» در لغت به معنای، «کم بودن و سهم کم تر» و در اصطلاح، به گروهی از افراد یک کشور یا یک شهر که از لحاظ دین و مذهب یا نژاد، از اکثریت متمایز باشند گفته می شود.^۱

اصطلاح « اقلیت» که غالباً با ویژگی هایی چون زبانی، قومی، دینی و مذهبی همراه است در برگیرنده آن دسته از گروه های انسانی است که در شرایطی حاشیه ای و در موقعیتی ناشی از فرودستی کمیتی و در عین حال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به سر می برند.^۲ شاید بتوان گفت اقلیت ها بیشتر با این صفت شناخته می شوند که در میان طبقات اجتماعی، در مقابل اکثریت، از حیث سیاسی، فرهنگی و اقتصادی منزلت و جایگاه فرودستی دارند و دست یابی آنان به پاره ای از مناصب و منزلت ها در یک جامعه خاص امکان پذیر نیست و یا این که بسیار مشکل خواهد بود. به عبارتی مشارکت در ساز و کار حکومتی با محدودیت ها و موانع گسترده ای همراه است.^۳

همچنین گفته شده است: « اقلیت» عبارت است از: گروهی که در حاکمیت شرکت نداشته و از نظر تعداد، کمتر از بقیه جمعیت کشور باشند و اعضای آن در عین حالی که تبعه آن کشور هستند، ویژگی های متفاوت قومی، مذهبی یا زبانی با سایر جمعیت کشور دارند و دارای نوعی حس وحدت منافع و همبستگی در جهت حفظ فرهنگ، آداب و رسوم، مذهب یا زبان خود هستند.^۴

با توجه به تعاریف ارائه شده اقلیت ها را بسته به نوع نگرش به مسائل آنها می توان به گروه های مختلف زیر تقسیم کرد:

الف) اقلیت قومی: یک گروه انسانی است که زبان و فرهنگ خاص خود را دارد.

ب) اقلیت نژادی: یک گروه انسانی است که با نژاد و یا نسب متفاوتی با گروه اکثریت جامعه متمایز می باشد.

ج) اقلیت مذهبی: گروه انسانی است که از نظر آداب و اعمال و عقاید مذهبی با گروه اکثریت جامعه متمایز می باشد.

۲- اقلیت های دینی

از آنجا که محور بحث و بررسی موضوع به اقلیت های مذهبی و دینی بر می گردد. برای تبیین موضوع لازم است منظور از دین و اقلیت دینی روشن گردد. سپس به بررسی جایگاه و حقوق اساسی آن ها بپردازیم.

۱-۲ تعریف دین

«دین» با وجود داشتن وحدت معنا به طور عام در لغت و اصطلاح به الفاظ متعدد و معانی واحد آمده است. از جمله گفته اند:^۵ دین در لغت به معنای جزا، عادت، طاعت، قهر و غلبه و هر چه که با آن قرب به خداوند حاصل می شود می آید.^۶ و در اصطلاح، مجموعه

احکام و دستورهای است که خداوند برای رستگاری جامعه بشری بر رسولان و پیامبران نازل کرده و اطاعت از این دستورها را بر همگان لازم دانسته و برای آن پاداش اخروی منظور داشته است.^۷ همچنین دهخدا «دین» را مجموعه عقاید موروث مقبول درباره روابط انسان با مبدأ وجود و التزام بر سلوک و رفتار بر مقتضای آن عقاید می‌داند.^۸ در تعریفی دیگر، دین اقرار به زبان و عمل به ارکان و اعتقاد به پاداش و کیفر در جهان آمده است.^۹

۲-۲- تعریف اقلیت دینی

با توجه به پیش گفته در تقسیم اقلیت‌ها، می‌توانیم بگوییم: «اقلیت‌های دینی»، گروه انسانی است که از نظر آداب و اعمال و عقاید مذهبی با گروه اکثریت جامعه متمایز می‌باشد. و یا با الهام از مفهوم دین، می‌توان «اقلیت‌های دینی» را این‌چنین تعریف کرد: اهل کتاب ساکن در جامعه اسلامی که از احترام، امتیازات و حقوقی مساوی بهره‌مندند.^{۱۰}

و نیز گفته اند: اهل کتابی که در قلمرو اسلام زندگی کنند و مطابق قرارداد «ذمه» از حکومت اسلامی تبعیت نمایند، «اهل ذمه» یا «اقلیت‌های دینی» نامیده می‌شوند. «اهل کتاب» گروه‌هایی هستند که از آیین‌های «یهود»، «مسیحیت»، «مجوسیت» پیروی می‌کنند^{۱۱} که در سوره‌های متعدد قرآن بدان اشاره شده است. و به عنوان یک اصل در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است.

۳- جایگاه اقلیت‌ها در اندیشه اسلامی

اسلام، خود را رحمت برای همه عالمیان می‌داند و پیامبر را مظهر رحمت عام و جهان شمول الهی معرفی می‌کند. چنان که قرآن کریم می‌فرماید «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء، ۱۰۷) ما تو را ای پیامبر جز آن که رحمتی برای عالمیان باشی نفرستادیم.

قرآن کریم، مسلمانان را بر حذر می‌دارد که دشمنی‌ها، آنها را به خروج از مسیر عدالت نکشانند تا چه رسد نسبت به رعایت حقوق اقلیت‌هایی که در پناه جامعه اسلامی زندگی می‌کنند، قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده، ۸). ای مؤمنان برای خدا پایدار و استوار بمانید و به حق و عدل گواهی دهید دشمنی با گروهی باعث نشود که به عدالت رفتار نکنید، عدالت پیشه سازید چرا که به تقوای الهی نزدیک‌تر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

اسلام اقلیت‌های مذهبی را مورد عنایت قرار داده و برای آنان احترام قایل است. و به رسمیت شناختن دین آنان به این معنا است که آنها می‌توانند با داشتن چنین عقیده‌ای در کشور اسلامی زندگی کنند و از حقوق یک شهروند برخوردار باشند.^{۱۲} که در اصل ۱۳ و ۱۹ قانون اساسی به آن اشاره شده است.

۳-۱- اهل کتاب (اقلیت‌های مذهبی) در قرآن

اصطلاح اهل کتاب گویا نخستین بار در قرآن آمده و این‌گزینه بدین جهت است که وجود کتابهای آسمانی وجه مشترک همه ادیان الهی است و راه را برای مدعیان ادیان خود ساخته، می‌بندد. اصطلاح اهل کتاب، ۳۱ بار در ۳۱ آیه از ۹ سوره قرآن و بیش از همه در سوره آل عمران به کار رفته است.^{۱۳} که در نظام اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران از آن به اقلیت‌های مذهبی تعبیر می‌شود، نمونه‌هایی از آیات و قرائن عبارتند از:

الف) «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران، ۶۴)

بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد...

ب) «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَىٰ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (حج، ۱۷)

کسانی که ایمان آوردند و کسانی که یهودی شدند و صابئی‌ها و مسیحیان و زرتشتیان و کسانی که شرک ورزیدند، البته خدا روز قیامت میانشان داوری خواهد کرد، زیرا خدا بر هر چیزی گواه است.

ج) «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، ۶۲)

در حقیقت، کسانی که [به اسلام] ایمان آورده، و کسانی که یهودی شده اند، و ترسایان و صابئان، هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد، پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت، و نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهناک خواهند شد. در این آیات از اهل کتاب به یهود، نصاری، مجوس و صابئین اشاره شده است. مجوسیان، معتقد به کتاب آسمانی و پیامبری زرتشت هستند. و صابئین، مدعی اند که کتابی آسمانی دارند و معتقد به خدا، ملائکه، بهشت، جهنم و برخی از انبیا هستند.^{۱۴} که در قانون اساسی جمهوری اسلامی "صابئین" جزو مذاهب رسمی به حساب نیامده است.

قرآن کریم درباره چگونگی رفتار با اقلیت ها و مصونیت و امنیت آنان در میان مسلمانان می فرماید:
 (الف) «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمُ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ». (عنکبوت، ۴۶)

و با اهل کتاب، جز به شیوه ای که بهتر است، مجادله نکنید مگر کسانی از آنان که ستم کرده اند و بگویید: به آنچه به سوی ما نازل شده و آنچه به سوی شما نازل گردیده، ایمان آوریم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم اویمیم.
 (ب) «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ حَبِيبُ الْمُقْسِطِينَ». (ممتحنه، ۸)

خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.
 (ج) «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ». (ممتحنه، ۹)

تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است.

۲-۳ حقوق اقلیت ها در فقه و سنت

سیره پیامبر (ص) به ویژه در مدینه و با تشکیل حکومت نشان دهنده آن است که حتی در صورت غلبه بر دشمن و پیروی اکثریت جامعه از ایشان، باز هم حقوق اقلیت غیر مسلمان را به رسمیت شناخته و به پیروان خویش با تأکید و جدیت، رعایت حقوق اقلیت ها را توصیه می کردند.^{۱۵}

از دیدگاه اسلام و فقه اسلامی، تنها اهل کتاب، اهلیت انعقاد قرارداد «ذمه» را دارند. این امتیاز به دلیل احترام خاصی است که اسلام بر پیامبران بزرگ الهی قایل است و به پیروان آنان به دیده احترام می نگرد.^{۱۶} بنابراین، اهل کتابی که خواهان اقامت در قلمرو اسلام باشند، می توانند با استفاده از قرارداد «ذمه» از مزایای حقوقی و آزادی های شایسته بهره مند شوند. از لحاظ شرعی، اصطلاح «ذمه» حاکی از وضعی است که تحصیل آن برای ذمی حق و تکلیف ایجاد می کند و به موجب آن، اهل ذمه در قبال تعهداتی، از حمایت همه جانبه دولت اسلامی برخوردار می شوند. یعنی در عمل، آن ها تابع شریعت خاص خود هستند و به معنای واقعی، مورد حمایت دولت اسلامی هستند.^{۱۷}

در سیره حضرت علی (ع) آمده است: در ماجرای قضایی، همراه شخصی یهودی نزد شریح حاضر شدند، حضرت فرمودند: این زره مال من است، نه آن را فروخته ام و نه به کسی بخشیده ام، اما یهودی ادعای مالکیت می کند. شریح از حضرت بینه خواست حضرت فرمودند: قنبر و حسین هر دو شهادت می دهند. شریح گفت: شهادت بنده و فرزند قبول نیست. هر چند حضرت جواب شریح را دادند، اما در نهایت قاضی دولت اسلامی، حاکم اسلامی را محکوم کرد و مالکیت یهودی را نسبت به زره به رسمیت شناخت و چون یهودی این وضعیت را مشاهده کرد، مسلمان شد و لب به اقرار گشود و گفت: این زره شماست، در جنگ صفین، از شتر خاکستری شما افتاد و من آن را برداشتم.^{۱۸}

در نهج البلاغه مطالب ارزشمندی از امام علی (ع) در باره امنیت و مصونیت اقلیت ها در سرزمین های اسلامی و در میان مسلمانان آمده است و امام (ع)، در این باره به مسلمانان توصیه ها و تأکیدات صریحی دارد. در یک مورد، مذمت مسلمانان به خاطر عدم تأمین امنیت اقلیت های دینی و شیخون سربازان معاویه در شهر اماره عراق بود که فرمودند: «به خدا سوگند که این گزارش چنان تلخ و تحمل ناپذیر است که اگر مسلمانی از پی شنیدن این فاجعه از شدت اندوه جان بسپارد، قابل مذمت نیست.»^{۱۹} و در نامه ۵۱ نیز تجاوز به اموال مسلمانان و اقلیت ها را نکوهش کرده اما یک استثنا بر آن می افزاید و می فرماید: «و هرگز مباد که به مال و خواسته احدی از مردم از مسلمانان نماز گزار تا اقلیت های در گرو پیمان، دست بیازید، مگر اسب و جنگ افزاری بیابید که در تجاوز به مسلمانان به کار گرفته شده است.»^{۲۰}

آنچه از روش حکومت پیامبر(ص) و حضرت امیر(ع) به طور ویژه می بینیم به وضوح یک نوع آزادی دینی برای صاحبان ادیان مختلف و یک نوع حمایت ویژه از کسانی است که به اصطلاح اقلیت دینی به شمار می روند. در روایات بسیار فراوانی برخورد عادلانه پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) را با اهل کتاب مشاهده می کنیم. فقهای شیعه و سنی بر اساس قرآن تحت عنوان نظام جزیه و نظام ذمه فتوا دادند. که اهل کتاب و غیرمسلمانان شامل یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان با پرداخت جزیه تحت حمایت دولت اسلامی قرار می گیرند و از انواع حمایت های حکومت اسلامی برخوردار می شوند. به همین منظور، اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی را تنها اقلیت های دینی شناخته شده می داند که در حدود قانون در اجرای مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی، بر طبق آیین خود عمل می کنند.^{۲۱}

نگاهی به احکام الهی و سنت و سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین(ع)، خاصه عملکرد پنج ساله دوران حکومت حضرت امیر(ع) بیانگر آن است که اقلیت ها در پرتو احکام نورانی دینی، زندگی مسالمت آمیز و همزیستی سالمی داشتند. در این جا اگر چه تنها به کلیاتی از رعایت حقوق اقلیت ها در اسلام اشاره شد، اما همین مقدار که ناظر به قریب چهارده قرن پیش می باشد، در مقایسه با شرایط کنونی و وجود سازمان های بین المللی مدافع حقوق اقلیت ها، می تواند چهره واقعی اسلام و حکومت اسلامی را پس از گذشت سالیانی دراز بهتر نمایان سازد .

۳-۳- دیدگاه امام خمینی (ره) درباره حقوق اقلیت های مذهبی

در اندیشه امام خمینی (ره) اقلیت ها در نظام جمهوری اسلامی همانند سایر افراد از حقوق طبیعی و حقوق اولیه انسانی برابر و احترام کامل برخوردارند. سبک و سیره امام خمینی(ره) این است که، در مشروعیت بخشیدن و مشارکت سیاسی اقلیت ها بر جنبه دیانت تأکید می کند و در انسجام و همبستگی اجتماعی نقش اصلی را به شریعت می دهد. می فرماید :

« هر کس که در مملکت اسلامی زندگی می کند یک حقوقی دارد. اسلام به آن حقوق می رسد. این اقلیت های مذهبی از قبیل زرتشتی، از قبیل یهودی، از قبیل نصارا، که در ایران... هستند، این ها را هم اسلام برایشان احترام قایل است، می خواهد که این ها هم به حقوق خودشان برسند»^{۲۲} و در جایی دیگر می فرماید: « از نظر اسلام، حتی ناموس اقلیت های مذهبی، که در پناه حکومت اسلامی هستند، مانند ناموس مسلمانان محترم است»^{۲۳}.

امام خمینی(ره) در پاسخ به پرسشی، در باره حقوق اقلیت ها و چگونگی رابطه آنان در حکومت مورد نظر ایشان ، می فرماید:

« اسلامی بودن، بیش از ایرانی بودن بین افراد ملت ایران روابط مستحکم برقرار کرده است. اقلیت های مذهبی نه تنها آزادند، بلکه دولت اسلامی موظف است از حقوق آنان دفاع کند. و دیگر اینکه هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان یا مسیحی و یا یهودی و یا مذهب دیگر فرقی ندارد»^{۲۴}

امام خمینی «ره» در پاسخ به پرسشی دیگر درباره حقوق اقلیت ها فرمودند:

« اقلیت های مذهبی... نیز باید از حقوق طبیعی خودشان، که خداوند برای همه انسان ها قرار داده است، بهره مند شوند. ما به بهترین وجه از آنان نگهداری می کنیم»^{۲۵}. «آنها با سایر افراد در همه چیز مشترک و حقوقشان به حسب قوانین داده می شود و در حکومت اسلامی آن ها در رفاه و آسایش هستند»^{۲۶}.

ایشان در پاسخ این پرسش که آیا در جمهوری اسلامی اقلیت های مذهبی جایگاهی دارند یا خیر، ضمن بیان این که رژیم شاه با اقلیت ها رفتاری بهتر از رفتار با مسلمانان نداشته است می گوید: « ما مطمئناً نسبت به عقاید دیگران بیشترین احترام را قائل هستیم . پس از سرنگونی دیکتاتوری و استقرار یک رژیم آزاد ، شرایط حیات برای اکثریت مسلمانان و اقلیت های مذهبی بسیار خوب خواهد شد»^{۲۷}.

مبنای نگرش امام خمینی(ره) مبتنی بر اسلام و فقه اسلامی می باشد. و مشروعیت بخشی به فعالیت و ایفای حقوق اقلیت ها را بر این اساس بنا نهاده است.

همچنین امام خمینی(ره) در پاسخ به این پرسش که: آیا دولت جدید مورد نظر شما صد درصد اسلامی است؟ به این معنا که حکومت آینده، محلی برای یهودیان، مسیحیان و سایر اقلیت های مذهبی خواهد بود یا نه؟ می فرماید:

« البته که در حکومت اسلامی، محلی برای اقلیت های مذهبی وجود دارد. و آنها الآن هم وکیل دارند و در مجلس واردند. ما در حکومت اسلامی هم برای آنها این حق را قائلیم»^{۲۸}.

امام خمینی (ره) در مباحث فقهی خود ، آن جا که شرایط اهل ذمه را برمی شمرد به پاره ای موارد اشاره می کند که در صورت پایبندی اقلیت ها به آن قیدها ، در امنیت کامل به سر می برند و هیچ شخصی نیز حق تعرض به آنان را ندارد. برخی از این شرایط

عبارتند از: کاری که با امنیت منافات دارد، مانند تصمیم به جنگ با مسلمانان و یا کمک به مشرکان انجام ندهند. به آن چه نزد مسلمانان منکر و زشت است، مانند شراب خواری، زنا و خوردن گوشت خوک تظاهر نکنند. با محارم خود ازدواج ننمایند. احکام مسلمانان مانند ادای حق و ترک حرام و نیز اجرای حدود الهی را بپذیرند. با سرقت و پناه دادن به جاسوس مشرکان و جاسوسی توسط خودشان، اسباب آزار و اذیت مسلمانان را فراهم نکنند.^{۲۹}

در یک استفتاء که درباره اجرای احکام اسلام در مورد غیر مسلمانان از ایشان شده است، فرمودند: «کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمانهای دیگر درباره آنها جاری است و محقون الدم^۱ بوده و مالشان محترم است».^{۳۰}

امام خمینی (ره) در ضمن سخنان خود در این باره می گوید:

«به این - اقلیت های دینی ای - که در ایران هستند کسی حق ندارد تعرض بکند، این ها در پناه اسلام و مسلمین هستند ... این های که مذهب رسمی دارند، حق ندارند تعرضی بکنند».^{۳۱}

مراد از مذهب رسمی مذهبی است که در اسلام به رسمیت شناخته شده است و شامل سه مذهب کلیمی، مسیحیت و زردشت می شود. روشن است که با توجه به مطالب پیش گفته، سخنان امام خمینی (ره) در واقع برداشتی از آیات مذکور در سوره ممتحنه و سیره و روش پیامبر اکرم (ص)، و امام علی (ع) است. طبق احادیثی که از حضرت رسول (ص) رسیده است، آزار اهل ذمه به مثابه دشمنی با ایشان فرض شده است. از جمله از ایشان نقل شده است که: «مسلمانی که فردی از زمین را بیازارد از من نیست».^{۳۲} و نیز «هر کس ذمی را آزار دهد، مرا آزار داده است».^{۳۳}

امام خمینی (س) معتقد است، اقلیت ها در حکومت اسلامی، علاوه بر حقوق اجتماعی از پاره ای حقوق سیاسی نیز برخوردارند، مانند: داشتن انجمن ها، نمایندگی مجلس شورای اسلامی و... که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم انعکاس یافته است.^{۳۴}

۴- حقوق سیاسی اقلیت ها در جمهوری اسلامی ایران

۴-۱- معنای حقوق اساسی و سیاسی

«حقوق اساسی» که «حقوق سیاسی» نیز خوانده می شود، کلیه قواعدی است که وضع و شکل حکومت یک ملت را معین نموده، اعضای رئیسه و قوای مهمه مملکت را تشکیل می دهد. و همچنین روابط متقابل قوای مزبور را بیان کرده و حدود آنها را نسبت به افراد ملت معلوم می کند، و در تعریفی دیگر حقوق اساسی یکی از شاخه های مهم حقوق است که اختصاصاً به روابط سیاسی بین فرمانروایان و فرمانداران می پردازد.^{۳۴}

حقوق دانان «حقوق سیاسی» را این گونه تعریف کرده اند:

حقوقی که به موجب آن ها شخص دارنده حقوق می تواند در حاکمیت ملی خود (مانند انتخابات، تصدی شغل قضا، و مشاغل رسمی دیگر یا عضویت هیأت منصفه و یا دارا شدن امتیاز روزنامه و ...) شرکت کند.^{۳۵}

پس به حقوقی که از مشارکت افراد و حکومت و تدبیر امور کشور است حقوق سیاسی گفته می شود و این حقوق برای یکایک افراد به رسمیت شناخته می شود.

نظام جمهوری اسلامی ایران یکی از دموکراتیک ترین نظام های سیاسی دینی است. قانون اساسی ایران نیز به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران، یکی از مترقی ترین قوانین اساسی فعلی دنیا می باشد. که اندیشه های مترقی اسلام، از جمله رعایت حقوق اقلیت ها در آن لحاظ شده است. در مورد اقلیت های دینی باید دو نکته مورد توجه قرار بگیرد. اول شناسایی موجودیت و هویت اقلیت های دینی و دوم تساوی افراد در برخورداری از حقوق و آزادی های سیاسی، اجتماعی و عدم تبعیض که به شرح این دو مورد خواهیم پرداخت

۴-۲- شناسایی موجودیت و هویت اقلیت های دینی در قانون اساسی

^۱ - محقون الدم؛ در لغت، به معنای رهانیده شده از قتل و در اصطلاح فقه، آن که قتل او جایز نیست و قاتل از جمله اشخاصی است که غیر محقون الدم است. (لغت نامه دهخدا).

^۲ - در اصل شصت و چهارم آمده است: زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می کنند.

اصل دوازده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌دارد که دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثناعشری است و این اصل تغییرناپذیر است، اما علاوه بر خورداری اقلیت‌ها از عدالت اجتماعی و حقوق برابر شهروندی، تمهیداتی را به طور ویژه برای ایرانیان پیرو اقلیت‌های دینی در نظر گرفته است؛ و در قوانین عادی نیز به حقوق ویژه اقلیت‌های دینی توجه شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سیزدهم آمده است: « ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون، در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی^۳ و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. »^{۲۶}

این اصل بیان می‌دارد که تنها، اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته شده اند. و در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. در قانون اساسی چهار حق عمده برای اقلیت‌های دینی در جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است.^{۳۷} که عبارتند از:

۱-۲-۴- آزادی انجام مراسم دینی:

در اصل ۱۳ قانون اساسی به آزادی انجام مراسم مذهبی تصریح شده و عملاً نیز پیروان این سه دین با داشتن کلیساها و کنیسه‌ها و آتشکده‌ها، مراسم و آیین مذهبی خود را به پا می‌دارند. وجود کلیساهای مختلف در اقصا نقاط کشور بدون این که کسی متعرض آنان شود موهبتی است که اسلام و قانون اساسی و مردم ما به برادران اقلیت ایرانی خود ارزانی داشته‌اند.

۲-۲-۴- تشکیل انجمن:

طبق اصل ۲۶ قانون اساسی اقلیت‌های دینی می‌توانند مطابق ضوابط دارای انجمن و جمعیت باشند. همچنین در ماده ۴ قانون فعالیت احزاب مصوب سال ۱۳۶۰ آمده است که انجمن اقلیت‌های دینی موضوع اصل سیزدهم قانون اساسی، تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت می‌باشد.

۳-۲-۴- اجرای مقررات مذهبی خویش در احوال شخصی:

احوال شخصی یعنی ازدواج، طلاق، ارث و وصیت که در این موارد، اقلیت‌های دینی بر اساس مقررات مربوط به مذاهب خودشان عمل می‌کنند و حتی اگر دعوا و مسأله‌ای در دادگاه‌های ایران مطرح باشد قاضی دادگاه طبق قواعد مذهبی آنها، موضوع را فیصله می‌دهد.

۴-۲-۴- داشتن نماینده مجلس:

اقلیت‌ها در حکومت اسلامی علاوه بر حقوق اجتماعی، طبق اصل ۶۴ قانون اساسی، زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان و آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده را انتخاب می‌کنند.

همانطور که ملاحظه می‌شود در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقلیت‌ها علاوه بر خورداری از مصونیت جان و مال، آزادی مذهبی، آزادی عقیده، عدالت اجتماعی، از حقوق سیاسی برابر و مشارکت و تدبیر در امور نظام برخوردارند.

۳-۴- تساوی افراد در خورداری از حقوق و آزادی‌های اساسی و عدم تبعیض

قانون اساسی، غیر از اقلیت مذکور در اصل سیزدهم، گرایش‌های دینی و اعتقادی دیگر را به رسمیت نمی‌شناسد. هر چند که قانون اساسی کشور ما تمایز آشکاری را بین اقلیت‌های غیر دینی از جهت نژادی، قومی و زبانی با اقلیت‌های دینی قائل نشده است، اما بر عدم تبعیض بر اساس نژاد، زبان و قومیت در دو اصل ۱۹ و ۲۰ نیز تأکید دارد.^{۳۸} در اصل نوزدهم آمده است: « مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود. »^{۳۹}

^۳ - مصادق احوال شخصی ه ا اوصافی مانند طلاق، افتراق، جهیزیه، مهر، ابوت، نسب، فرزند خواندگی، اهلیت، رشد، قیمومیت، ولایت، حجر، ارث، وصیت و تصفیه ترکه تشکیل می‌دهد. (محمد جعفر جعفری لنگرودی ترمینولوژی حقوق، ۱۸۷۹م)

در اصل بیست و ششم نیز آمده است: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی و شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.»^{۴۰}

اصول اولیه قانون اساسی نیز که بر مبنای تعالیم دینی تقنین شده‌اند. و بر تساوی عموم افراد ملت صرف نظر از هر گونه تعلق به اقوام و نژادها و زبانها و عدم تبعیض بر اساس این معیارها تأکید دارند. بند ۸ اصل سوم بر مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، یا بند ۹ همان اصل بر رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکان عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی و یا بند ۱۴ همان اصل بر تأمین حقوق همه جانبه افراد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون تأکید دارند.^{۴۱}

قانون اساسی همچنین در اصل ۱۵ تأکید دارد که «استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.» روح کلی قانون اساسی بر این نکته دلالت دارد که حقوق و آزادی‌های اساسی برای کلیه شهروندان و اتباع ایرانی در نظر گرفته شده و آنان بدون توجه به وابستگی قومی، نژادی، زبانی و حتی مذهبی در برخورداری از حقوق و آزادی‌های اساسی با هم مساوی‌اند. وجود کلمات کلی نظیر «همه»، «هر کس»، «هر ایرانی» و نظایر آن بر این نکته تأکید دارد. اصول ۲۳، ۲۹، ۳۴، ۴۱، ۳۲، ۳۳، ۲۳، ۱۴ یک سلسله حقوق اساسی از قبیل تساوی در برابر قانون، محفوظ بودن جان و مال و شغل و مسکن، آزادی عقیده، انتخاب شغل، برخورداری از تأمین اجتماعی، دادخواهی، مشارکت در اداره کشور و امثال اینها را برای همه افراد در اتباع کشور و شهروندان ایرانی، صرف نظر از هر نوع وابستگی قومی، زبانی و مذهبی به رسمیت می‌شناسد و همگی بدون تبعیض از این حقوق می‌توانند بهره‌مند گردند.^{۴۲}

۵- دسترسی به مناصب سیاسی

حقوق سیاسی که برای افراد در نظر گرفته شده دو گونه است: یکی صرف داشتن حقوق سیاسی که برای همه شهروندان مقرر شده است. دیگری قابلیت عهده دار شدن سمت و منصبی در امور حکومت. تفاوت عمده این دو نوع حقوق سیاسی این است که نوع اول، حق فرد بر دولت است که دولت باید به او اعطا کند. اما از حقوق فرد بر دولت این نیست که وی را به مناصب دولتی منصوب کند. در صدر اسلام نیز افرادی از پیامبر(ص) و یا جانشینان وی درخواست سپردن امارت به آنان را می‌کردند، و چه بسا مورد قبول واقع نمی‌شد؛ در حالی که اگر حق فرد بود باید پذیرفته می‌شد.^{۴۳} همانطور که ذکر شد تصدی مناصب حکومتی از حقوق افراد به شمار نمی‌رود بلکه حق حکومت است، چون صلاح و فساد حکومت با حاکم است و او وظیفه دارد که افراد شایسته را به مناصب کلیدی بگمارد. برای احراز مناصب مهم، شرط مسلمان بودن در صدر شرایط قرار می‌گیرد و در فقه اسلامی بر آن تأکید شده است. در قرآن نیز آیه‌ای مشهور به آیه نفی سبیل بر این امر دلالت دارد، می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) و خداوند هرگز بر مؤمنان، برای کافران راه تسلطی قرار نداده است.

مفسرین از جمله علامه طباطبایی و رشید رضا، کلمه سبیل را، نکره در سیاق نفی گرفتند که افاده عموم می‌کند یعنی هیچگونه سبیل و سلطه‌ای نباید ایجاد شود.^{۴۴} با توجه به خطاب قرار دادن اهل کتاب به «یا ایها الذین کفروا من اهل الکتاب» به عنوان کفار اهل کتاب و از طرفی نداشتن شرط مسلمان بودن، لذا عدم تصدی مناصب مهم و کلیدی را می‌توان از آن نتیجه گرفت.

از سویی دیگر برخی معتقدند که اصل ۶۴ قانون اساسی در واقع اقلیت‌ها را در راهیابی به مجلس شورای اسلامی محدود کرده است. زیرا نامزدهای مذکور نمی‌توانند خارج از چارچوب تعیین شده به مجلس شورای اسلامی راه پیدا کنند. افراد مذکور نمی‌توانند نامزد عموم (اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان) شوند و بنابراین تنها محدود به انتخاب از سوی اقلیت‌ها هستند.

در این خصوص همان‌طور که گفته شد، از لحاظ شرعی مسلمانان نمی‌توانند یک غیر مسلمان را به پست و مقامی عمومی برگزینند، زیرا شریعت، سلطه غیر مسلمانان را بر مسلمانان نفی کرده است. هم‌اینک با توجه به این که پنج نفر از اقلیت‌ها با توجه به تصریح قانون اساسی در مجلس شورای اسلامی حضور دارند، شبهه‌ای به آن وارد کردند که: اقلیت‌ها به هر حال در پاره‌ای از لویج و طرح‌ها تاثیر گذارند و این تاثیرگذاری در اداره کشور نقش اساسی بر جای می‌گذارد. و این سوال مطرح است که آیا چنین وضعیتی منجر به سلطه غیر مسلمانان بر مسلمانان می‌شود یا خیر؟

البته پاره‌ای از صاحب نظران بر این باورند که دلیل محدودیت نمایندگان اقلیت‌ها در پنج نفر، این است که چون تعداد آنان اندک بوده است قانون گذار نخواست است اقلیت‌ها در اکثریت حل شوند و از حق انتخاب نماینده مستقل محروم شوند.^{۴۵} از این رو یک امتیاز نسبت به اقلیت‌ها شمرده می‌شود و نه محدودیت.^{۴۶}

همان طور که ذکر شد مناصب کلیدی حق حاکمیت است، نه حقوق سیاسی مردم و اقلیت ها، لذا با توجه به محدودیت در اعطا مناصب حکومتی به اقلیت ها، از ناحیه شریعت مقدس اسلام و حقوق اساسی ایران، به جهت حفظ اسرار و امنیت کشور اسلامی، این امر منافاتی با برخورداری اقلیت ها از حقوق سیاسی قانونی و مناصب جزئی به تشخیص حاکمیت ندارد و لذا حاکمیت خود را موظف دانسته است زمینه مشارکت سیاسی و برخورداری از حقوق قانونی آنها را فراهم آورد.

سخن پایانی (نتیجه گیری)

امروز کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که اتباع آن همه دارای یک مذهب یا یک زبان و یا یک قوم و نژاد باشند. لذا رعایت حقوق اقلیت ها یکی از مسائلی است که مورد توجه ادیان و جوامع جهانی و بین المللی و نظام های سیاسی قرار گرفته است. اما مشارکت اقلیت ها در نظام های سیاسی، معمولاً با محدودیت هایی همراه است. بسیاری از حکومت ها از سوی جوامع جهانی و سازمان های حقوق بشر تحت فشار قرار می گیرند تا با اقلیت های موجود در کشورشان با مدارا و برابری بیشتر رفتار کنند. اما اسلام بیش از هزار و چهارصد سال پیش، زمینه مشارکت و برخورداری از حقوق اجتماعی و سیاسی اهل کتاب را با شرایط قبول ذمه فراهم نموده است. شیوه برخورد قرآن با اهل کتاب همراه با وفق و مدارا است و با شیوه برخورد با کفار و مشرکین بسیار متفاوت است. (عنکبوت، ۴۶) قرآن اهل کتاب را مجبور به ترک عقیده نکرد و نمی کند و با دریافت جزیه، همزیستی مسالمت آمیز را توصیه می کند. ولی در عین حال با درهم کوبیدن اعتقادات شرک آلود و باطل « تثلیث » و « فرزند خواندگی خدا » و « مصلوب شدن مسیح » همه را به تسلیم در برابر دین حق و توحید کلمه درقول و عمل و نفی ربوبیت غیر خدا فرا خوانده است.

به برکت اسلام و رهبری سیاسی حضرت امام خمینی (ره)، نظام استبدادی شاهنشاهی سرنگون و نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه انتصاب ولی فقیه و اخذ بیعت با برگزاری فرزندخواندگی در عصر غیبت تاسیس و برقرار گردید. در حقوق اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، اقلیت ها بر اساس دیدگاه اسلام و سنت و سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) به رسمیت شناخته شده اند. و در قانون اساسی از آزادی بیان و عقیده، انتشارات مطبوعات، تشکیل احزاب و انجمن ها، تا زمانی که منافی احکام اسلام و حقوق عمومی نباشد برخوردارند و حق داشتن نماینده در مجلس قانونگذاری شورای اسلامی با توجه به نسبت جمعیت آنان بیش از حد معمول، بطور خاص مورد توجه قرار گرفته اند.

امام خمینی (ره)، حکومت اسلامی را موظف به دفاع از حقوق و امنیت اقلیت های مذهبی برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خودشان می داند. و از آزادی عقیده و بیان اقلیت های دینی دفاع می کند. اما ایشان در بحث فقهی خود، اقلیت ها را از تبلیغ و نشر و ترویج کتب شان در سرزمین تحت حکومت اسلامی به جهت تحریف و نفوذ فساد در آنها باز می دارد و مصداق گمراهی و ضلالت می داند...

منابع و مراجع

- ۱ - معین، محمد، فرهنگ معین، ج 1 ص ۲۳۶، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۲.
- ۲ - ژرژ، پی، ژئوپلیتیک اقلیت ها، مترجم، دکتر سیروس سهامی، ص ۵، تهران، واقفی، ۱۳۷۴.
- ۳ - لک زایی، شریف، مردم سالاری دینی و حقوق اقلیت ها در نظریه سیاسی امام خمینی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۳، ص ۹۱، پاییز ۱۳۸۳.
- ۴ - ترنبری، پاتریک؛ حقوق بین الملل و حقوق اقلیت ها، مترجم، آرینا شمشادی و علی اکبر آقایی، ص ۱۱-۱۲، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹.
- ۵ - ابراهیمیان، حجت الله، حقوق خاص اقلیت های دینی در نظام سیاسی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۹، صص ۲۴۳ تا ۲۶۶، تابستان ۱۳۹۱.
- ۶ - فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، القاموس المحيط، ج ۴ ص ۳۲۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲، ق.
- ۷ - فاضل میبدی، محمدتقی، دین چیست، ص ۱۴، ۱۳۷۵، قم، نشر خرم، ۱۳۷۵.
- ۸ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۷، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۹ - مشکور، محمدجواد، خلاصه ادیان در تاریخ دین های بزرگ، شرق. شماره ۲۸، شرق. ۱۳۷۲.
- ۱۰ - شریعتی، روح الله، حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی، ص ۲۰، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- ۱۱ - ناصر مکارم شیرازی و دیگران، پیام قرآن، ج ۱۰، ص ۴۰۱، قم، دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۷.

- ۱۲ - پیشین، حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی، ص ۸۴
- ۱۳ . نصیری، علی دائره‌المعارف قرآن کریم، ج ۵، www.maarefquran.com.
- ۱۴ - «رک» مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل‌بن حسن، ج ۱، ص ۱۹۸ بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق، و المیزان فی تفسیرالقرآن، طباطبایی، محمدحسین، ج ۷، ص ۲۱۷، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- ۱۵ - شریعتی، روح الله، حقوق اقلیت‌ها در حکومت نبوی، مجله علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع) شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۵.
- ۱۶ - الطوسی ابوجعفر محمدبن الحسن، الاستبصار، ج ۲، ص ۳۶ تهران، دار الکتب، ۱۳۹۰.
- ۱۷ - امام خمینی روح الله، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۴۴۸، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۳۶۳.
- ۱۸ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۵۶.
- ۱۹ - شریف الرضی محمدبن حسین، نهج البلاغه، مترجم، محمد دشتی، خطبه ۲۷، قم انتشارات مشهور، ۱۳۷۹.
- ۲۰ - همان، نامه ۵۱.
- ۲۱ - طالبی، روح الله، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۲، تهران، شفیعی، ۱۳۸۰.
- ۲۲ - امام خمینی، صحیفه امام، ج ۶، ص ۹۸، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۲۳ - همان، ج ۵، ص ۱۱۶.
- ۲۴ - همان، ج ۴، ص ۵۰۸.
- ۲۵ - همان، ج ۳، ص ۴۸.
- ۲۶ - همان، ج ۱۱، ص ۲۹۰.
- ۲۷ - همان، ج ۴، ص ۳.
- ۲۸ - همان، ج ۵، ص ۱۴۱.
- ۲۹ - همان، تحریر الوسیله، ۱۴۰۷ ق ج ۲، صص ۴۵۷-۴۵۶. قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۳۶۳.
- ۳۰ - همان، صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۳۰۴.
- ۳۱ - همان، صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۵۱.
- ۳۲ - عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اقلیت‌ها، ص ۱۳۸، چاپ پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۳۳ - بیهقی، أحمد بن الحسین بن علی، سنن الکبری، ج ۹، ص ۲۰۵، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۶۵ق.
- ۳۴ - خسروی، حسن، حقوق اساسی ۱، به نقل از <http://fa.wikipedia.org>
- ۳۵ - شریعتی، روح الله، حقوق و وظایف غیر مسلمانان در جامعه اسلامی، ص ۹۹. قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- ۳۶ - طالبی، روح الله، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۳.
- ۳۷ - توحیدی، احمد رضا، تاملی در اصول کلی نظام، حقوق و آزادی‌های مردم، صص ۱۲۹-۱۲۲. تاملی در اصول کلی نظام، حقوق و آزادی‌های مردم، احمد رضا، قم، معارف، ۱۳۸۹.
- ۳۸ - فاطمی یوسف، حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی ایران، روزنامه همشهری، ۱۳۸۳/۱۰/۱۲.
- ۳۹ - طالبی، روح الله، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۹، ص ۳۴.
- ۴۰ - همان، اصل ۲۶، ص ۳۵.
- ۴۱ - همان، اصل ۳، ص ۲۹.
- ۴۲ - «رک» توحیدی، احمد رضا، تاملی در اصول کلی نظام، حقوق و آزادی‌های مردم، صص ۱۲۹-۱۲۲. و یوسف فاطمی، حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی ایران، روزنامه همشهری، ۱۳۸۳/۱۰/۱۲.
- ۴۳ - شریعتی، روح الله، حقوق و وظایف غیر مسلمانان در جامعه اسلامی، ص ۹۹، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- ۴۴ - طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۵، ص ۱۱۶، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- ۴۵ - شریعتی، روح الله، حقوق و وظایف غیر مسلمانان در جامعه اسلامی، ص ۵۴۶. قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- ۴۶ - لک زایی، شریف، مردم سالاری دینی و حقوق اقلیت‌ها در نظریه سیاسی امام خمینی، فصلنامه دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۳ پاییز ۱۳۸۵